

بسم الله الرحمن الرحيم

**موضوع :**

**حوزه فرهنگی و اجتماعی در مسئله جمعیت**

**مدرس :**

**فوزیه نوری**

**دی ماه ۱۴۰۲**

## مقدمه

این نوشتار به منظور بررسی ابعادی از ازدواج شامل زمان بندی و برخی الگوهای همسرگزینی، تعاملات دختران و پسران و نیز از هم گسیختگی آن از طریق بررسی روندهای طلاق مورد توجه قرار می‌گیرد. علاوه بر آن روند تحولات باروری، زمانبندی مولید، بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی مورد کنکاش قرار می‌گیرد. بررسی نگرش افراد در مورد ازدواج و طلاق؛ موانع و محدودیت‌های ازدواج و فرزندآوری و عوامل موثر بر طلاق و نگرش‌های جنسیتی از موضوعاتی است که این مطالعه به آن می‌پردازد. با توجه به اینکه تداوم افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق و کاهش نرخ ازدواج و باروری از چالش‌های کنونی جمعیتی کشور است و توجه محققین و سیاست‌گذاران حوزه جمعیت و خانواده را به خود معطوف نموده است، نتایج این پژوهش علاوه بر اینکه به لحاظ علمی شناخت و دانش ما را نسبت به تغییرات خانواده و فرزندآوری افزایش می‌دهد، می‌تواند در حوزه سیاست‌گذاری خانواده و جمعیت نیز مورد استفاده قرار گیرد. و همچنین نقش فرهنگی و اجتماعی مسئله جمعیت و اینکه والدین چه دیدگاهی باید داشته باشند مورد بحث قرار گرفته است.

## حوزه فرهنگی و اجتماعی مسئله جمعیت :

با توجه به پیامدهای منفی کاهش جمعیت در کشور و اثرات منفی سالمندی و پیری جمعیت در طی سال‌های آینده باید اقداماتی در راستای فرهنگ‌سازی و اصلاح و نگرش مردم نسبت به فرزندآوری صورت گیرد.

فرهنگ ازدواج آسان و فرزندآوری از ضرورت‌های مهم حال حاضر کشور است

ترویج فرهنگ تشکیل خانواده و فرزندآوری، رفع موانع ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان را از اصول اولیه در جوانی و افزایش جمعیت باید دانست و تسریع در تحقق اهداف ارزشمند سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در خصوص فرزندآوری و جوانی جمعیت، نیازمند اهتمام دستگاه‌های اجرایی است.

محتوا سازی و اطلاع رسانی و تبلیغات در فضای مجازی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و توجیهی در دانشگاه‌ها، ادارات و مدارس ، تقویت امکانات رفاهی، بهداشتی به ویژه تجهیز سالن های ورزشی در راستای برگزاری جشن‌های ازدواج آسان و افزایش امنیت شغلی مادران شاغل از جمله مسائلی می‌باشد که باید. فرهنگ سازی جمعیت مد نظر قرار بگیرد.

اصلی ترین مسئله در موضوع جوانی جمعیت مسائل فرهنگی است.

که از این مساله کلیدی و اساسی که شاید ریشه‌ای و پایه‌ترین مساله فرهنگی کشور به شمار می‌رود بی توجه نیاید عبور کنیم. همه نظامات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی کشور وابسته به این عنصر حیاتی است. انسان به عنوان پیشرو و عنصر خلقت وجودش و حضورش کلیدی‌ترین مسأله‌ای است که همه بشریت باید برای احیای آن تلاش کنند.

افزایش جمعیت سالمندان و کاهش نیروی جوان به یک بحران برای کشورهای توسعه یافته و بعضی کشورهای در حال توسعه تبدیل شده و این معضل برای آینده کشور ما که با سرعت بالاتری به سمت پیری جمعیت می‌رود، بیشتر نگران کننده است.

بسیاری از دولت‌ها برای حل بحران پیری جمعیت از سیاست‌های تشویقی فرزندآوری استفاده می‌کنند با این وجود نتیجه بخش بودن این سیاست‌ها در گرو فراهم بودن شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

به گفته کارشناسان، افزایش جمعیت متأثر از عوامل مختلفی است که علاوه بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سلامت جسمانی، عامل فرهنگی، تغییر رویکرد و سبک زندگی نیز در آن به طور محسوسی تاثیرگذار است.

کشور ما طی دهه‌های اخیر با چالش جمعیتی به نام کاهش شدید باروری مواجه شده است، به گفته دبیر ستاد جوانی جمعیت کشور براساس گزارش نهادهای بین المللی، ایران سومین کشور جهان در حرکت به سمت سالمندی و پیری جمعیت است.

از دهه ۷۰ سیاست‌های کنترل جمعیت با شعار معروف ۲ فرزند کافی است به صورت گسترده در کشور به اجرا درآمد و در دهه‌های اخیر نیز سیاست‌گذاری جامعی برای رشد جمعیت در این زمینه اتخاذ نشد از این‌رو رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۳ با توجه به وضعیت آماری جمعیت سیاست‌های کلی جمعیت را در ۱۴ بند ابلاغ کردند.

همچنین اهمیت فرزندآوری و نگرانی‌ها از گسترش جمعیت سالمندی موجب شد تا رئیس‌جمهور در نخستین نشست ستاد ملی جمعیت تاکید کند که همه رسانه‌ها باید همت کنند تا قانون جمعیت به خوبی در جامعه انعکاس پیدا کند و مشوق‌ها برای افزایش و جوان‌سازی جمعیت به روشنی برای مردم تبیین شود. با توجه به پیامدهای منفی کاهش جمعیت در زندگی خانواده‌ها و اثرات منفی سالمندی و پیری جمعیت طی سال‌های آینده باید اقدامات لازم برای فرهنگ‌سازی و اصلاح نگرش مردم نسبت فرزندآوری صورت گیرد.

خوشبختانه با توجه به حساسیت این موضوع، مجلس شورای اسلامی پای کار آمد و قانون جوانی جمعیت را با ارائه مشوق‌های مالی و معنوی به زوجها مصوب کرد. با وجود تصویب و اجرایی شدن قانون جوانی جمعیت، رشد ازدواج و افزایش فرزندآوری نیازمند جهاد تبیین و گشودن گره‌های ذهنی شهروندان است که باید به همت دستگاه‌های متولی و رسانه‌های جمعی در این خصوص صورت گیرد.

✓ تقویت جایگاه والدین خصوصاً مادر در حوزه فرهنگی و اجتماعی جمعیت

خداوند زن را مظهر خلاقیت و جمال و زیبایی خویش آفرید و وجود او را مربی و پرورش دهنده افراد جامعه قرار داده است.

قرآن کریم در احترام و نیکی به والدین سفارش بسیار فرموده و به خاطر مقام و فضیلت والای مادر این سفارش را بارها تکرار کرده و تاکید دارد که در محیط خانه و اجتماع برجسته‌ترین نقش مادر، نقش تربیتی بوده و چگونگی رفتار مادر با کودک در شکل دهی ساختار شخصیتی او تأثیری چشم گیر دارد.

در دین اسلام، زن جایگاه بسیار والایی در اجتماع و خانواده دارد و همانگونه که سازنده خانواده است در جامعه نیز تأثیر مستقیم داشته و می‌تواند جامعه را به سمت سعادت و تعالی و یا به سمت

انحراف و فساد سوق دهد. اسلام، نقش زن در تربیت فرزندان را بسیار مهم و اساسی قلمداد می‌کند به گونه‌ای که در تربیت و اثرگذاری در جهت گیری‌های مرد خانه نیز نقش مهمی دارد. به تعبیر امام خمینی (ره)، «از دامن زن، مرد به معراج می‌رود.» لذا در سایه مادری مهربان و وظیفه شناس و فهیم است که فرزندان پاک، با اخلاق نیکو و فهمیده وارد اجتماع می‌شوند. در محیط خانواده با وجود همسری مهربان، دلسوز، فداکار و آرامش بخش است که مرد، با شخصیت، فعال و مقاوم در برابر سختی‌ها و مشکلات، بار می‌آید. در کنار این وظایف مهم، زن می‌تواند با حفظ شئونات و اخلاق اسلامی، در پیشرفت و توسعه فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی نقش ایفا کند.

فعالیت‌هایی که میتوان بعنوان مثال در این حوزه انجام داد از جمله: برگزاری جلسات و نشست‌های دینی با موضوع زنان و خانواده، اعزام مبلغ در راستای تبیین نقش زنان در تربیت دینی فرزندان، اجرای برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزشی حضوری و مجازی با موضوع زنان و تحقق بیانیه گام دوم انقلاب و نیز تبیین اهمیت جمعیت و فرزند آوری، اجرای پویش‌های فرهنگی حرف آورد و رفیقانه .....

نقش مهم جمعیت جوان و پویا در تقویت مسیر پیشرفت کشور لازم است برنامه حمایت و ترغیب جوانان به ازدواج و فرزندآوری و رفع نیازهای جوانان بیشتر مورد توجه مسئولان قرار بگیرد تا بتوان با



همکاری و همراهی بین بخشی در استان، اقدامات مطلوبی در این زمینه برداشت.

همچنین ترویج تشکیل خانواده و فرزندآوری، رفع موانع ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان را از اصول اولیه در مسیر جوانی و افزایش جمعیت میتوان عنوان کرد.

مهمترین وظیفه و مسئولیت مادران، تربیت فرزند است که نتیجه آن در آینده مشخص می‌شود و باید فرزندان به گونه‌ای تربیت شوند که در راستای دین، مذهب و اعتقادات مان گام برداشته و سبک زندگی ایرانی، اسلامی را الگوی زندگی خویش قرار دهند  
حفظ و تقویت خانواده از مهمترین اصول است.

یکی از مهمترین ارکان اصلی جامعه حفظ و تقویت خانواده است والدین نقش مهمی را در تربیت فرزندان دارند.

یکی از مهمترین دلایل ناهنجاری‌ها از خانواده شکل می‌گیرد فرزندان باید در محیط خانواده احساس امنیت و آرامش کنند و این مهم باید توسط والدین انجام شود. تربیت خوب فرزندان در درجه اول در محیط خانواده است. با وارد شدن فرزندان در محیط مدرسه، این نهاد نیز به عنوان یکی از رکن‌های اساسی در تربیت و پرورش کودکان ما نقش اساسی دارد. در این راستا و با توجه به اهمیت موضوع باید تعاملات پیوسته ای بین اولیا و مربیان

مدارس باشد تا بتواند در برنامه‌ریزی‌ها در امور تربیتی دانش‌آموزان و تحقق اهداف مورد نظر موثر باشد.

متأسفانه طلاق یکی از نشانه‌های مهم کم‌توجهی به امور تربیتی کودکان و نوجوانان و حتی جوانان است. برای حفظ کیان خانواده باید پدر، مادر و فرزندان رویکرد گفت‌وگو را در خانه در محوریت قرار دهند. دوستی، محبت، درک کردن، احترام به خواسته‌ها، نداشتن توقع بیش از حد، رعایت اصول اخلاقی، دینی، انس با قرآن، با ایمان و توکل زندگی کردن، تقویت ارتباطات خانوادگی، وقت گذاشتن برای هم، خوب شنیدن حرف‌های یکدیگر را از جمله مهمترین عوامل تحکیم کننده میتوان عنوان کرد.

وقابل ذکر می‌باشد که: والدین در شکل‌گیری مهارت اجتماعی فرزندان نقش بسیار مهمی دارند، تبیین مهارت‌های اجتماعی فرزندان بر اساس سرمایه اجتماعی و فرهنگی والدین با توجه به نقش واسطه‌ای سبک‌های والدین در برخورد با هیجانات منفی فرزندان می‌باشد.

تشکیل خانواده همواره، در زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان اهمیت محوری داشته و ارزش‌های اجتماعی و مذهبی رایج در جامعه پیوسته بر قداست نهاد خانواده و اهمیت تشکیل و حفظ و استحکام آن تأکید زیادی داشته‌اند. علیرغم تداوم نقش محوری خانواده و

تأثیر پایدار نظام ارزش‌های اسلامی- ایرانی بر عناصر و روابط خانوادگی در ایران، در پاسخ به تحولات اقتصادی و اجتماعی معاصر، ابعاد رفتاری و نگرشی خانواده تغییرات چشمگیری را تجربه کرده است. یافته‌های این گزارش نشان داد خانواده در ایران به عنوان بخشی از جامعه همراه و همگام با سایر بخش‌ها تغییرات و دگرگونی‌های شگرفی را تجربه کرده است.

یکی از ابعاد مهم تحولات خانواده طی دهه‌های اخیر، افزایش سن ازدواج جوانان بوده است، به‌گونه‌ای که در مقایسه با نسل‌های گذشته، درصد زیادی از جوانان در سالیان اخیر، دوران طولانی‌تری از مجرد را تجربه می‌کنند. بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵، متوسط سن مجرد (یا همان سن اولین ازدواج) زنان از ۱۸/۳ به ۲۳/۴ سال و برای مردان از ۲۴/۹ به ۲۶/۷ سال افزایش یافته است.

مروری بر فراوانی تعداد زنان ازدواج نکرده بالای ۳۵ سال در سرشماری سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد ۶۵۲ هزار زن ۳۵-۴۹ سال هرگز ازدواج نکرده‌اند. در واقع این رقم حاکی از این است که ۶۵۲ هزار خانواده که می‌توانست به‌طور بالقوه تشکیل شوند، هنوز تشکیل نشده‌اند. از دست رفتن فرصت فرزندآوری برای اکثریت این زنان نباید نادیده گرفته شود. علاوه بر آن ۵۶۷ هزار نفر از زنان بدون همسر بر اثر فوت یا طلاق هستند (۲۷۵ هزار نفر به دلیل فوت همسر و ۲۹۰ هزار نفر به دلیل طلاق). توجه به این گروه از زنان

هرگز ازدواج نکرده و همچنین بدون همسر در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های ملی حائز اهمیت است.

با وجود روند رو به افزایش سن ازدواج در جامعه، ارزش‌ها و هنجارهای رایج اجتماعی بر ازدواج و تشکیل خانواده تأکید دارند و عمومیت ازدواج همچنان بالاست. ولی در عین حال به نظر می‌رسد که در آینده، پتانسیل کاهش عمومیت ازدواج و افزایش نسبت مجرد قطعی، با توجه به روند رو به تأخیر ازدواج‌ها در سالیان اخیر وجود دارد. فعلیت و یا عدم فعلیت این پتانسیل بستگی به جریان تحولات اجتماعی و نیز میزان توجه و توفیق در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی در این زمینه طی سالیان پیش رو خواهد داشت.

لگوهای همسرگزینی و انتخاب همسر نیز در سالیان اخیر رو به تغییر نهاده است. در فرآیند همسرگزینی، انتخاب‌ها و تصمیمات جوانان پیرامون زمان ازدواج، تعیین شرایط و ملاک‌ها و پیش نیازهای ازدواج و انتخاب شریک زندگی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. شاخص‌های مربوط به پایداری و دوام ازدواج‌ها طی سالیان اخیر دستخوش تغییرات سریع و چشمگیری شده است. برپایه داده‌های پایگاه اطلاعات جمعیت کشور، در سال ۱۳۹۷ متوسط عمر ازدواج‌هایی که به طلاق منجر شده‌اند ۹ سال بوده است و در نیمی از طلاق‌های رخ داده عمر ازدواج کم‌تر از ۵ سال است و بیشترین

میزان طلاق در ازدواج‌های یک سال و کمتر بوده است. بر همین اساس در کشور بالاترین میزان طلاق ویژه سنی زنان در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ ساله با میزان ۲۷/۷ و برای مردان ۲۰ تا ۲۴ ساله با میزان ۱۰/۲۱ است. میزان بالای طلاق ویژه سنی در گروه‌های ۱۴ - ۱۰، ۱۹ - ۱۵ و ۲۴ - ۲۰ ساله تأمل برانگیز است. از آنجایی که بیشترین میزان طلاق در ۵ سال اول زندگی مشترک زوجین رخ می‌دهد؛ ضروری است زوجین در طول پنج سال ابتدای زندگی مشترک-شان تحت پوشش خدمات مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی قرار گیرند یکی دیگر از تغییراتی که جامعه ایران به خود دیده است کاهش باروری به زیر سطح جانشینی است. پدیده نوظهور باروری «پایین» و یا «بسیار پایین» در برخی از استان‌ها یکی از چالش‌های جمعیتی کشور و موضوع مباحث علمی در مراکز علمی و پژوهشی و در بین سیاست‌گذاران و عموم جامعه است. بسیاری از سیاست‌گذاران نگران عواقب احتمالی آن هستند. این نگرانی‌ها شامل تداوم کاهش باروری و بالتبع کاهش جمعیت برخی مناطق و یا گروه‌های خاص جمعیتی و افزایش سرعت سالخوردگی جمعیت است. این شرایط منجر به افزایش فشار بر منابع مالی عمومی، سیستم‌های بازنشستگی، تأمین اجتماعی کاهش نیروی کار، کاهش رشد اقتصادی، خدمات مراقبت از سالمندان، و ... خواهند شد. در مواجهه با این چشم اندازها، و به منظور افزایش باروری، در حال حاضر

اجرای برنامه‌هایی با هدف حمایت از خانواده‌ها و زوجین جوان اولویت اساسی کشور است. برنامه‌های حمایت از خانواده، بایستی طوری نهادینه شوند که رفتار باروری زوجین با بهره -مندی از این حمایت‌ها، کمتر تحت تاثیر شرایط مقطعی موجود جامعه قرار گیرد. بسیاری از افراد اهداف و برنامه‌های ازدواج و باروری خود را بر اساس وضعیت اقتصادی فعلی و چشم اندازهای درآمدی و شغلی خود اتخاذ می‌کنند، در جامعه ما که فرزندآوری در کانون ازدواج شکل می‌گیرد، تاثیر سن ازدواج بر باروری بالا است و در صورت تاخیر و افزایش بیشتر سن ازدواج، باروری ممکن است به سطح پایین- تر از سطح کنونی سوق پیدا کند. علاوه بر آن زنانی که در دو دهه اخیر ازدواج کرده و در معرض فرزندآوری قرار گرفتند، نسبت به کوهورت‌های قدیمی‌تر تأخیر بیشتری را در تولد اول و دوم تجربه کرده‌اند. در حال حاضر زوجین بعد از ازدواج، فرزند اول را در فاصله ای حدود ۳ تا ۴ سال پس از ازدواج به دنیا می‌آورند و این تاخیر برای فرزند دوم بیشتر است و به بالای ۵ سال می‌رسد. در زمانبندی ازدواج و فرزندآوری، شرایط اقتصادی اجتماعی جامعه نقش مهمی دارند. علاوه بر آن عدم قطعیت و احساس بی اطمینانی نسبت به شرایط اقتصادی اجتماعی که متاثر از شرایط فعلی جامعه و همچنین گذشته دارد، باعث شده است، افراد در سطوح مختلف جامعه برای پذیرفتن نقشهای پدر و مادری که تعهدی بلند مدت محسوب می

شود، محتاطانه عمل کنند. لذا فراهم نمودن فرصت های شغلی، کمکهای معیشتی، تامین بخشی از هزینه های زندگی و به ویژه هزینه مسکن، افزایش کمی و کیفی بیمه ها می تواند در کاهش مشکلات اقتصادی، کاهش بی اطمینانی و عدم قطعیت اثرگذار باشد و شرایط ازدواج و فرزندآوری را در جامعه تسهیل نماید.

از سوی دیگر باروری پایین با تغییر نگرش های زوجین نسبت به فرزندآوری و تغییرات فرهنگی و ارزشی و رواج ارزش های پست مدرنیسم و تغییر سبک زندگی پیوند دارد. تغییر نگرش و رفتار زوجین در مورد فرزندآوری هم مستلزم ارائه پیامهای مثبت در مورد ارزشهای فرزندآوری، زمانبندی مناسب برای ازدواج و باروری از طریق رسانه ها و گنجاندن مفاهیم مربوطه در سطوح مختلف آموزش رسمی و هم ارائه بسته های اقتصادی و حمایتی در سطوح مختلف اقتصادی اجتماعی جامعه است.

از سوی دیگر بخش قابل توجهی از جوانان و به ویژه زنان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. نگرش این افراد نسبت به فرزندآوری، نقش و جایگاه زن در جامعه و خانواده، اشتغال زنان و ... تغییر کرده است، بنابراین انتظار می رود تقاضا برای اشتغال زنان و ورودشان به بازار کار در کشور بیشتر شود. لذا ضرورت دارد قوانین شغلی و استخدامی به نحوی تنظیم شود تا هم ورود زنان به بازار کار تسهیل شود و هم با فراهم نمودن فرصت های دورکاری و ساعات کاری

منعطف، افزایش مرخصی زایمان و پدر و مادری، امکان ترکیب مسوولیت‌های شغلی و فرزندآوری و امور خانه برای زنان فراهم شوند. در حال حاضر عمده مسئولیت نگهداری از فرزندان به عهده خانواده ها و به ویژه زنان است و نسبت به بسیاری از کشورها درصد ثبت نام کودکان زیر شش سال در مراکز مهدکودک حتی در بین زنان شاغل پایین است. ارائه خدمات مناسب برای مراقبت از فرزندان، نظیر کمک هزینه مراقبت از فرزند، افزایش تعداد مهد کودک ها و مراکز مراقبت از فرزندان با کیفیت بالاتر و ارائه سوبسیدهای مختلف برای نیازهای اساسی مرتبط با کودکان ممکن است در کاهش موانع ترکیب کار و فرزندآوری موثر باشد.

علاوه بر موارد فوق، تشکیل کمیته ملی راهبردی جمعیت جهت تدوین خط- مشی کلی اجرای سیاست-های کلی جمعیت، احیا دفتر جمعیت در سازمان برنامه و بودجه به منظور هماهنگی -های بین بخشی در اجرای برنامه -های جمعیتی، حمایت از اجرای پیمایش های ملی مستمر و تخصصی جهت شناسایی نیازهای زوجین و اهداف و رفتارهای باروری آنان موثر خواهد بود.

در مجموع بر اساس شواهد تجربی موجود، تشکیل خانواده و فرزندآوری هنوز به عنوان ایده و رفتار در الگوی خانواده ایرانی از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است، بنابراین بایستی فرزندآوری را به عنوان خواسته و حق مردم و زوجین در نظر گرفت و آنان را



برای دستیابی به این خواسته حمایت نمود. در اینصورت است که، اهداف سیاستهای جمعیتی مبنی بر تشکیل و تحکیم خانواده و نیز افزایش باروری تحقق خواهد یافت.

با توجه به تغییرات گسترده در نگرش های جنسیتی زنان و مردان در کشور باید در زمینه نقشهای جنسیتی زنان و مردان واقع گرا بود و از هر نوع محدودیتی در مسیر اشتغال زنان و برگشت به نظام خانواده سنتی که بر نقشهای نان آوری مردان و خانه داری زنان تاکید داشت پرهیز کرد. در واقع امکان بازگشت به الگوی سنتی خانواده که در آن مردان نان آور و زنان خانه دار هستند ممکن نیست و هرگونه تلاش برای زنده کردن این مدل پیامدهای منفی دیگری را برای کل سیستم به دنبال خواهد داشت (بهرامی کمیل ۱۳۹۶: ۲۳). شواهد متعددی نشان دادند که تقسیم نابرابر کارهای خانگی می تواند بر روابط زوجین تاثیر بگذارد، منشا کشمکشها و اختلافات زوجین باشد و رضایت از زندگی و کیفیت زندگی افراد را کاهش دهد. بنابراین سیاستهای افزایش جمعیت و سیاستهای دوستدار خانواده بایستی چارچوب وسیعی از ارزشهای فرهنگی و اجتماعی را در برگیرند که با حمایت از افزایش مشارکت مردان در امور داخل خانه و کاهش نابرابری جنسیتی، کیفیت و رفاه زندگی زوجین را ارتقا بخشند. در مجموع زنان در جامعه ما همچنان نقشهای سنتی مبتنی بر خانه داری و فرزندپروری را حفظ کرده اند.

واقعیت این است که در بستر تغییرات کلان اجتماعی نمی‌توان حوزه خانواده را از این تغییرات مصون دانست و در جامعه رو به تغییر از اقتصاد کشاورزی به صنعتی، افزایش سطح سواد و تحصیلات و گسترش شیوه‌های نوین ارتباطی نمی‌توان انتظار داشت که خانواده از این تغییرات مصون بماند. در جهان در حال تغییر امروزی حمایت از نهاد خانواده ضرورتی مهم است. انجام مداخلات سیاستی در حوزه نهاد خانواده در کشورهای گوناگون جهان از جمله ایران متداول است. در ایران سابقه تدوین قوانینی با هدف حمایت از خانواده به دهه ۱۳۴۰ باز می‌گردد. مجلس شورای اسلامی در آخرین اقدام خود در این راستا در اسفند ماه ۱۳۹۱، «قانون حمایت خانواده» را به تصویب رسانده و پس از تایید شورای نگهبان آن را جهت اجرا به رئیس جمهور وقت ابلاغ نمود (ترابی و همکاران ۱۳۹۶). این قانون هفت فصل با عناوین ذیل را شامل می‌گردد: دادگاه خانواده، مراکز مشاوره خانوادگی، ازدواج، طلاق، حضانت و نگهداری اطفال و نفقه، حقوق وظیفه و مستمری و مقررات کیفری. میزان تاثیر گذاری این گونه مداخلات سیاستی و قانونگذاری‌هایی در محافظت از نهاد خانواده و بهبود شرایط آن در جامعه نیازمند بررسی است.

اگر چه در این گزارش به منظور بررسی وضعیت خانواده از چند پیمایش ملی بهره گرفته شد، اما به دلیل اهداف، شیوه اجرا و نمونه

گیری و سوالات طرح شده متفاوت، شاهد الگوهای متفاوتی در ابعاد مختلف خانواده بودیم و گاه در پیمایشهای همزمان و یا با فاصله اندک شاهد تفاوت‌های قابل ملاحظه ای بودیم. لذا به نظر می‌رسد فقدان منابع داده ای معتبر جهت رصد وضعیت خانواده در کشور، یکی از موانع مهم در جهت شناسایی مسائل حوزه خانواده بوده است. استناد به مطالعات مقطعی که عموماً با هدف بررسی یک موضوع خاص (و نه ابعاد مختلف رفتارها و نگرش‌های مرتبط با خانواده) طراحی شده اند، نمی‌تواند اطلاعات جامعی را در اختیار سیاست‌گذاران حوزه خانواده قرار دهد. بر این اساس، پیشنهاد می‌گردد با بهره‌گیری از تجارب ارزشمند مراکز دانشگاهی و آماری کشور، پیمایش‌های طولی در سطح ملی طراحی گردند تا ضمن غنی‌سازی پژوهش‌های حوزه خانواده و منبع اطلاعاتی مفیدی جهت برنامه‌ریزی در این حوزه فراهم نماید.

علیرغم وجود محدودیت فوق، بر اساس یافته‌های مطالعات موجود می‌توان پیشنهادات زیر را جهت تسهیل ازدواج، کاهش وقوع طلاق و افزایش باروری به بالاتر از سطح جانشینی مطرح نمود:

- ترویج نگرش مثبت نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده و فرزندآوری (از طریق نظام آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی)؛
- رفع موانع اقتصادی از طریق ارائه فرصت‌های شغلی، تامین مسکن مناسب، ارائه وام‌های قرض‌الحسنه؛

- فراگیر شدن آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی در همه مقاطع سنی؛
- آموزش شیوه‌ها و معیارهای صحیح همسرگزینی و اصلاح روش‌های سنتی ازدواج و انتخاب همسر؛
- تأکید بر لزوم آشنایی و شناخت خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی رفتاری زوجین قبل از ازدواج با توجه به معیارها و ملاک‌های تناسب زوجین
- آموزش شیوه‌های صحیح رفتاری از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی قبل از ازدواج تحت عناوین: راهبردهای ارتقای کارکرد خانواده، آشنایی با حقوق و تکالیف زوجین، بهداشت باروری و ... ؛
- آموزش دانش جنسی به زوجین و دختران و پسران در آستانه ازدواج؛
- آموزش و آشناسازی والدین نسبت به مسائل جوانان؛
- ارتقای آگاهی‌های خانواده در خصوص مسایل و حقوق زنان؛
- زمینه‌سازی فرهنگی برای ایجاد زمینه مشارکت در مسئولیت‌های خانوادگی و اقتصادی بین زوجین و برقراری تعادل در وظایف و نقش‌های زوجین درون محیط خانواده؛
- فرهنگ‌سازی در جهت پایداری همسران به ارزش‌های اخلاقی درون زندگی مشترک؛

- ترویج فرهنگ مراجعه خانواده ها به مراکز مشاوره خانواده در هنگام بروز اختلافات؛

- مداخلات خانواده درمانی به منظور کاهش طلاق در کشور؛
- شناسایی و کمک به حل مسائل و مشکلات خانواده‌های آشفته و متقاضی طلاق؛

- زمینه سازی فرهنگی برای پذیرش اجتماعی زنان مطلقه و توجه به مسائل آنها؛

- شناسایی تغییرات صورت گرفته در ترتیبات زندگی خانوارها و آسیب های ناشی از آن؛

- بستر سازی مناسب جهت رفع مشکلات پیش روی خانوارهای زن سرپرست؛

- شناسایی عوامل موثر در شکاف بین نسلی و کمک به تعمیق روابط بین نسلی جهت ارتقاء وضعیت زندگی زنانی سرپرست خانوار؛

در زمینه افزایش باروری نیز راهکارهای زیر پیشنهاد می گردد:

- فراهم نمودن فرصت های شغلی و تامین امنیت شغلی برای جوانان در کشور

- حمایت مالی از زوجین جوان برای تامین مسکن

- حمایت های مستقیم برای کاهش هزینه فرزند و فرزندآوری

- کاهش هزینه آموزش و تحصیلات فرزندان

- ارائه پیامهای مثبت برای ارزش فرزند و لغو تبلیغ برای تعداد خاص فرزندان،
- تمرکز بر کاهش فاصله های طولانی بین فرزندان
- آموزشهایی برای افزایش مشارکت مردان در کارهای خانه
- بازتنظیم قوانین شغلی و استخدامی جهت تسهیل ترکیب کار و فرزندآوری
- افزایش کمی و کیفی بیمه ها،
- ارتقا و توسعه نظام مراقبت از کودکان (مهد کودک ها)
- ارائه سوبسیدهای مختلف برای نیازهای اساسی مرتبط با کودکان،

نکته مهم: بر مبنای تجربه کشورهای دیگر اگر این شرایط فراهم نشود، باروری به سطح پائینتری کاهش خواهد یافت.

در پایان باید اذعان داشت که در بررسی مسائل خانواده و اتخاذ هر گونه سیاستی در این حوزه ضمن درک مقتضیات زمان و الزامات آن تا حد امکان از تصمیم گیری های غیرعلمی و مطالعه و ارزیابی نشده، سخت گیرانه و شتاب زده اجتناب کرد. با توجه به این که نگرش ها و رفتارهای خانوادگی از عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیت شناختی تاثیر می پذیرند، لازم است هر گونه قانون و یا مداخله سیاستی پس از بررسی های علمی جامع جهت شناسایی

ابعاد مختلف مسائل حوزه خانواده تدوین کردند و نحوه و میزان اثر بخشی آن‌ها نیز با استفاده از مطالعات میدانی و پژوهش‌های مستمر ارزیابی شود



## نتیجه گیری:

بطور کلی برخورداری از سرمایه های اجتماعی و فرهنگی در مسئله جمعیت موجب تغییرات ذهنی و رفتاری کنشگران (والدین و فرزندان) میشود و این تغییرات خود را در سبکهای والدین در برخورد با هیجانات و همچنین مهارت های اجتماعی فرزندان نشان میدهد و جمعیت جوان کشور با دیدگاه های بهتری می توانند ازدواج کرده و فرزند آوری داشته باشند. زیرا همیشه باید بیاد داشته باشیم که:

**قبل از پدر و مادر شدن ، باید پدر و مادر بودن را یاد بگیریم.**